

مبانی و روش مطالعات ناحیه‌ای در ایران



دانشگاه تربیت معلم

دکتر اصغر نظریان

مقدمه

آموزشی عنوان می‌گردید. ولی متأسفانه عوامل متعدد مانع انجام این امر و شناسایی نواحی مختلف به همان شکل که افراد تعلق خاطری به محیط‌زیست، جامعه و زادگاه خودشان حس می‌نمایند گردیده‌بود. تا اینکه خوشحانه بعد از انقلاب اسلامی بدست تجدیدنظر در کتب درسی جغرافیا انجام این امر نیز در برنامه‌های آموزشی کشور امکان‌پذیر گردید و مهمتر اینکه خود دبیران مسئولیت و تعهد علمی آنرا به عهده گرفته و بالاخره منجر به تهیه و تدوین کتبی به نام .. جغرافیای استانها .. گردید.

بحث زیر در همین راستا و در ارتباط با بهبود این وضع انجام می‌گیرد و سعی شده‌است که ضمن تحلیل علمی از مطالعات ناحیه‌ای، مبانی جغرافیایی و راه و روشهای مفید در این نوع از مطالعات حتی‌الامکان پیشنهاد گردد.

سلباً "تلاشی که تا امروز در این راه انجام گرفته و اسفالی که از طرف مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی کتابهای درسی در جلب نظرات افراد انجام می‌گیرد، نگارنده را در انجام این عمل تشویق و هدایت نموده است.

در این نوشته سعی شده‌است که در درجه اول مفاهیم جغرافیایی ناحیه‌ای و جایگاه آن در جغرافیای امروز شناخته شود و سپس کلیاتی از روشهای مطالعاتی در اختیار دبیران و علاقمندان جغرافیا قرار گیرد.

به امید آنکه در آینده و در ادامه این بحث، روشهای آموزشی و الگوهای عطفی از این نوع مطالعات در اختیار علاقمندان قرار دهیم.

سلباً "نقطه‌نظرها، راهنماییها و انتقادات اساتید علم جغرافیا و دبیران محترم راه‌کنش آینده در ادامه این بحث خواهد بود.

شهر، روستا و یا هر مکانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، نزدیکترین محیط‌زیست و فئرو جغرافیایی است که به طور مستقیم و طبیعی ارتباط خودمان را با آن حفظ کرده‌بودن اینکه از فوآنس، اصول و مکانیزم این روابط اطلاع داشته باشیم به طور عادی و غیرارادی از امکانات، مواهب و یا به طور کلی از مجموعه ساختار طبیعی آن استفاده می‌نمائیم. بدین ترتیب بدون اینکه از کم و کیف و فعل و انفعالات محیط به طور علمی اطلاع داشته باشیم، خود را در داخل سیستم به هم پیچیده محیط زیست خود حس می‌کنیم. علاوه اجتماعی که ما بدان تعلق داریم در یک سلسله از روابط با این محیط و حوام اطراف، دگرگوییها و سلسله تحولاتی را در زمان بوجود آورده که شکل خاصی را به محیط و نوع زندگی ما بخشیده‌است، و حتی مجموعه این روابط و عوامل شخصیتی از نظر فرهنگی، قومی، زبانی و غیره نیر بدان داده‌است که انسان همیشه خود را متعلق به آن مجموعه حس می‌نماید.

درک این ساختار و اطلاع از ویژگی و سلسله تحولات آن حتی بدون داشتن تخصصی، علیرغم اینکه به طور دائم با آن در ارتباط هستیم، برای افراد آن جامعه از کوچک و بزرگ حالب توجه می‌باشد. در این میان اگر ما خارج از اطلاعات عمومی که به افراد می‌دهیم بنوائیم جامعه و محیط زیست افراد و بخصوص دانش-آموزان را برایشان شناسانیم بیش از اندازه ارزشمند، مفید و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

اندیشه تحقق این موضوع همیشه در ذهن جغرافیدانان، برنامه‌ریزان و مقامات آموزشی کشور وجود داشته‌است و حتی بحث‌ها و انتقادات زیادی از کمبود و جای خالی آن در برنامه‌های

فصل اول

مفاهیم و تعاریف در مطالعات ناحیه‌ای

فضای ناحیه‌ای

فضای ناحیه‌ای هر قسمت و جزئی از مساحت کره ارض نمی‌باشد، فضای ناحیه‌ای هر نوع نظم و ترتیبی در یک قسمت مشخص نیز نمی‌باشد بلکه ناحیه یک قلمرو سازمان یافته با یک سیستم مشخص می‌باشد که خود را در یک مجموعه وسیع به ثبت می‌رساند. در نتیجه جغرافیای ناحیه‌ای ترکیبات محسوس انجام یافته در یک مقیاس را که به تفهیم و توجه تمام سیستمها در ارتباط با همدیگر اجازه می‌دهد در بردارد.^۵

هر ناحیه در ساختار فضایی به بعضی از نظم و ترتیبها ارتباط دارد و شایسته است که درجه و سهم به هم پیوستگی، وابستگی داخلی و حدود فضایی آنرا شناخت و تغییراتی که در یک ناحیه انجام می‌گیرد می‌تواند در ارتباط با ساختار آن داخلی و در صورت تجاوز از حواشی و محدوده آن خارجی باشد.

ناحیه همانند یک پدیده جغرافیایی، عنصری است که بوجود می‌آید، تحول پیدامی‌کند و تحلیل می‌یابد. «هرناحیه جغرافیایی مثل یک عکس جالب و روشن به صورت چیزی زنده و جاندار ظاهر می‌شود، بدین ترتیب ناحیه واحد مکانی است که همه اصول و قوانین جغرافیایی در آن به هم بافته شده و همانند کارخانه‌ای است که تمام اجزای کوچک و بزرگ آن گره‌خوردگی خاصی را با موتورهای متحرک کارخانه نشان می‌دهد»^۶.

بالاخره گسترش فضایی یک پدیده یا تعدادی از آنها شخصیتی به یک فضای معین می‌دهد که بانواحی اطراف خود متمایز می‌گردد تعیین حدود نواحی کار ساده‌ای نمی‌باشد، در جغرافیای جدید امروز یک شیوه منحصر بفرد برای تقسیمات فضایی وجود ندارد و برحسب مورد می‌توان دیدگاهها را عوض کرد. هر تقسیم بندی جزئی به درک مفاهیم عمومی می‌افزاید و با روش شدن ویزگیهای گوشه‌ای از ناحیه مورد مطالعه، کشف پیچیدگیهای سازمان‌یابی فضایی یک فضای بزرگ امکان پذیرتر می‌گردد. اصولاً «واحدهای اولیه و کوچکتر استعدادهای بالقوه خاص را به اساسی نشان نمی‌دهند، ولی نشان می‌دهند که در یک مجموعه، فضای کلی درجه موقعیتی قرار دارند»^۷. جغرافیای جدید آنالیز استعدادهای طبیعی خرده نواحی را رد نمی‌کند اما این عوامل در یک فضای خیلی پیچیده قرار دارند. هرگز استعداد یک ناحیه جغرافیایی را نمی‌توان فهمید مگر اینکه تمام سطوح در ارتباط با همدیگر و با انگیزه‌ها و آینده‌نگریهای آنها شناسائی شود و بالاخره از درجه مسائل و مشکلات^۸ به ناحیه توجه شود.

اصولاً «نواحی یا حواشی، موضوعات و مسائل وسعت می‌یابند و چون مجموعه، این عوامل باطناً» به همدیگر ارتباط دارند مشترکاً» همدیگر را هدایت می‌نمایند و بالنتیجه حدودی که هر یک از

جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای

اگر چه ناحیه به طور سنتی موضوع اصلی مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهد ولی با این همه جغرافیدانان در تعریف و تشریح آن سکوت کرده و به توافق نرسیده‌اند. این سکوت و عدم توافق باعث تأسف است، زیرا در همین قلمرو ناحیه‌ای و خصوص در قلمرو انسانی است که جغرافیا می‌تواند به علوم اجتماعی، دولت یا حکومتها و فعالیتهای اقتصادی کمک نماید. مطالعات ناحیه‌ای کانون اصلی جغرافیا را تشکیل می‌دهد و با اینکه اکثر مطالعات ناحیه‌ای کلاسیک جز مونوگرافی چیز دیگری نبوده و مورد انتقاد بیشتری قرار گرفته‌اند، با این همه مطالعات ناحیه‌ای یکی از راه‌های منطقی و رضایت‌بخش در دست آوردن اطلاعات جغرافیایی است.^۱

اصولاً یک قسمت اعظم از تحقیقات جغرافیای کلاسیک نیز به فضای ناحیه‌ای تعلق دارد. کلاً در مجموعه ناحیه‌ای است که می‌توان ساختار فضایی - اجتماعی و استعدادهای اقتصادی یک قلمرو جغرافیایی را تشخیص و تفسیر و توجیه نمود.^۲

جغرافیای ناحیه‌ای اغلب به عنوان یک فرم خیلی نمایان از جغرافیا یا خود جغرافیا معرفی شده است. جغرافیای عمومی نیز در شرایطی که مطالعات بخش یا قسمتی از کل جغرافیا باشد خود جغرافیای ناحیه‌ای است. به عنوان یک قاعده اساسی قابل قبول است که نمی‌توان مجموعه‌ها را بدون شرح خصوصیات و دینامیک هر یک از عوامل که در ترکیب آن وارد شده‌اند معرفی و توصیف کرد. بدین ترتیب مطالعات ناحیه‌ای شامل یک سری تجزیه و تحلیل مقدماتی و ترکیبات اجزائی متوالی می‌باشد که درک و فهم آنها در مراحل مقدماتی امکان پذیرتر از ترکیب نهائی آنها می‌باشد.^۳

اساساً «تفاوتهای موجود بین مکانها از مفاهیم اصلی جغرافیاست، در غیر این صورت انسان قادر نیست که پدیده‌های جغرافیایی را به طور پنهان کرده و مجزا مطالعه کند. پس لازم است که همه خصیصه‌های طبیعی و انسانی به طور یکجا و هم شکل در واحدهای معین و محدود به نام ناحیه ارزیابی گردد. شروع کار جغرافیایی بدون توجه به مفاهیم یک‌دست، مشابه و هماهنگ مکانها امکان پذیر نیست. متد و روش ناحیه‌ای وسیله‌ای جهت شناسائی سیاره زمین و در مفهوم دیگر ناحیه آزمایشگاه جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای کاربرد همه شاخه‌های علم جغرافیا در مکان خاص می‌باشد»^۴.

عوامل بوجود می‌آورند بندرت بر همدیگر منطبق می‌شوند و تعیین مرز مشکل می‌گردد، و هر چقدر دامنه ارتباط و عملکرد انسانها وسعت پیدا می‌کند، تشخیص شعاع و محدوده نواحی مشکل‌تر می‌گردد، و حتی ممکن است از قلمرو سیاسی و سازماندهی فضایی یک دولت نیز تجاوز نماید. با این همه هر ناحیه، کانون و هسته مرکزی^۹ خود را دارد که بیشترین شخصیت و ویژگیهای مخصوص آن ناحیه را بوجود می‌آورد و از نواحی مجاور متمایز می‌گرداند.

مسئله و مشکل طبقه‌بندی نواحی

تردیدی که امروز در تفکر و اندیشه جغرافیدانان روی ناحیه ملاحظه می‌شود طبقه‌بندی نواحی را با مشکل روبرو کرده است، با این همه در کل سه نوع ناحیه را می‌توان پیشنهاد کرد:

۱- نواحی با یک ویژگی خاص.

۲- نواحی با ویژگیهای متعدد.

۳- نواحی با ویژگیهای یکپارچه و کلی (Compagny)^{۱۰}.

از طرف دیگر می‌توان از نواحی متعدد سخن گفت مثل ناحیه طبیعی، ناحیه تاریخی، ناحیه اقتصادی، ناحیه شهری، ناحیه فرهنگی، ناحیه همگن، ناحیه پولاریزه و ناحیه کشاورزی. این تنوع شاید برخلاف غنای مفهوم ناحیه باشد ولی صرفاً برای ساده کردن مطلب عنوان می‌گردد. در قلمرو طبیعی این طبقه بندیها آنچنان مشکلی حاصل نمی‌شود ولی آنچه مرسوم به انسان و زیربنای فرهنگی آن می‌شود مفهوم ناحیه ابعاد وسیعتری می‌گیرد.

تحت نظام تغییر و اثرپذیری محیط طبیعی از انسان و روابط فیما بین عوامل وحدت ناحیه‌ای دائماً در حال تغییر است، به عنوان مثال در یک ناحیه که ساختار کشاورزی یکی از عوامل وحدت ناحیه‌ای به‌شمار می‌آید، ممکن است این عوامل در نتیجه مهاجرت روستائی تضعیف شود. یا همینطور انهدام یک تولید یا تغییرات تکنیکی در کشاورزی به وضعیت مشابه منجر گردد. دینامیزم یک شهر در ارتباط با یک صنعت فعال می‌تواند در رقابت با یک شهر یا صنعت دیگر رکود حاصل نماید. تغییرات آب و هوائی بمانند آنچه که در صحاری آفریقا و یا آنچه در سالهای ۱۳۴۲ به بعد در سیستان اتفاق افتاد می‌تواند در پتانسیل و دینامیک ناحیه مؤثر افتد. خلاصه اینکه باید نواحی را در مجموعه مسائل عمومی آنها طبقه‌بندی کرد ولی در این میان موقعیت مکانی هر ناحیه را نباید از نظر دور داشت.

مفاهیم ناحیه‌ای و مسائل مورد بحث ما

الف: مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای:

مطالعات ناحیه‌ای تنها یک مونوگرافی نیست، مونوگرافی یک تحقیق مستقل می‌باشد. این مطالعه ضروری است اما جزء اجزاء و وسیله‌های برای بهتر شناختن فضای جغرافیائی چیز دیگری نیست. جغرافیای ناحیه‌ای جایگزین هر پدیده را در داخل مقیاس مشاهده روابطی که در سطوح مختلف قرار دارند و جفت و جواریهای محلی در یک مجموعه فضائی را طلب می‌نماید. مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یا اساساً "جغرافیای کاربردی"^{۱۱} نیز در عین حال که روابط نزدیک، همسانی و تشابه آشکاری را نشان می‌دهد ولی در حقیقت در مقوله از یک علم واحد می‌باشند. مطالعات جغرافیائی و یا ناحیه‌ای اساسی‌ترین و شاید بیشترین نیازهای برنامه‌ریزی فیزیکی و ناحیه‌ای را برآورد می‌سازد و در زمینه توسعه اجتماعی - اقتصادی ناحیه به حل مسائل بسیاری توفیق می‌یابد. هر زمان که این مطالعات در جهت حل مسائل، ارائه پیشنهادات و آینده‌نگری همراه باشد به عنوان تحقیق جغرافیائی کاربردی شناخته می‌شود^{۱۲}، بدین ترتیب مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای علیرغم ارتباط تنگاتنگی که با هم دارند حد و مرزی را می‌شناسند و آن اینکه در حقیقت مطالعات ناحیه‌ای زمینه‌ساز و زیربنای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای است. در مطالعات ناحیه‌ای استعدادهای بالقوه، معیشت کنش و واکنشها و درک تمام سطوحی که در اقتصاد ناحیه مؤثر واقع می‌شوند، شناخته می‌شود و یا به عبارت دیگر مطالعات ناحیه‌ای شناسائی مجموع ویژگیهای مخصوص هر ناحیه می‌باشد که در ارتباط با همدیگر قرار گرفته‌اند.

در صورتیکه برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در ارتباط با نیازهای آینده و در تأمین هدفهای مشخص اقتصادی و اجتماعی است که ناحیه یا نواحی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از این توضیحات چنین استنباط نشود که مطالعات یا تحقیقات ناحیه‌ای هدف و جهتی ندارد. مسلماً آگاهی بی‌هدف جز یک منت اطلاعاتی بی‌ارتباط با همدیگر چیز دیگری نیست در صورتیکه یک تحقیق یا مطالعه ناحیه‌ای با مجموع مفاهیم و ویژگیهای که برشمرده شد می‌تواند ضمن مفهوم علمی خود در جهت انواع برنامه‌ریزیهای ناحیه‌ای سوق داده شود.

در اینجا شاید بی‌مناسبت نباشد که به مفاهیم آمایش سرزمین و تحلیل‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای نیز اشاره شود و روابط آنها با مطالعات ناحیه‌ای مشخص شود: آمایش سرزمین خود را در مفهوم و قالب پیش‌بینی و آینده‌نگریها در بلند مدت و آنهم در آینده دور توجیه می‌نماید. در آمایش سرزمین استقرار فعالیتها را به همان شکل که هستند مورد توجه نیست بلکه به شکلی که باید باشند مورد نظر است^{۱۳}. یا به عبارت دیگر آمایش سرزمین سیمای مرحله آتی توسعه یافتگی را تصویر کرده و سازماندهی مجدد و آگاهانه فضائی را در جهت نیل به اهداف توسعه مورد توجه قرار می‌دهد^{۱۴}. این روش و متدولوژی توسعه و سازماندهی فضائی با

جغرافیا و بالاخص با جغرافیای ناحیه‌ای ارتباط تنگاتنگ دارد. جغرافیا آنچه را که در یک ناحیه بالقوه یا بالفعل وجود دارد بهمان می‌کند و آمایش تصویری از آنچه که باید و می‌تواند باشد طرح‌ریزی می‌نماید. نتیجه اینکه آمایش سرزمین یک نوع برنامه‌ریزی است که با اعمال از مطالعات ناحیه‌ای نشأت می‌گیرد.

تحلیل‌های منطقه‌ای یا ناحیه‌ای اصولاً "با زیربنای اقتصادی، موضوعی و در اکثر موارد انتزاعی هستند و اگر مفهوم ناحیه را در قالب وسعت‌تر آن بدون در نظر گرفتن مفاهیم جغرافیایی آنها به عنوان منطقه‌ای بشناسیم، ۱۵ تمام ویژگیهای یک منطقه و مسرهای توسعه و وابستگی‌های متقابل آنها در تحلیل‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد ۱۶. که مفهوم فضای جغرافیایی و نوع روابط انسان با این فضای جغرافیایی در ابعاد متنوع و مختلف آن در قلمرو علم جغرافیا باقی می‌ماند.

ب: نقش مطالعات ناحیه‌ای در آموزش جغرافیا:

مطالعات ناحیه‌ای تجلی عوامل جغرافیایی و انطباق موضوعات جغرافیای عمومی را در سیمای یک محل نشان می‌دهد و بدین ترتیب جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای نقش مهمی در آموزش جغرافیا دارد و از راه جغرافیای ناحیه‌ای است که می‌توان به قوانین و اصول جغرافیای عمومی رسید ۱۷. بدین ترتیب با مطالعات ناحیه‌ای در مفهوم علمی و متدیک آن در انطباق با آنچه که بیان گردیده است می‌توان به کشف پدیده‌های عمومی و قواعد جغرافیایی پی برد. با عنایت به توضیحات از پیش تعیین شده که ناحیه‌آزمایشگاه علم جغرافیا است، مطالعات ناحیه‌ای آغاز و وسیله‌ای جهت شناسایی یک منطقه، یک سرزمین ملی، قاره و سیاره زمین می‌تواند باشد.

اصولاً "تحقق و تطابق بعضی موارد و قوانین جغرافیا و تهیه بعضی مواد اولیه برای آن بوسیله جغرافیای ناحیه‌ای میسر است. با توجه به مفاهیم اساسی علم جغرافیا که روابط بین انسان و محیط طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

محیط‌زیست انسانی اولین پایگاه در آزمون و شناخت و میدان آزمایش اصول و قوانین جغرافیایی است. "تعلیم جغرافیا به معنای صحیح آن خود متوجه این هدف است، که به افراد شرایط حاکم بر عرصه کره خاک و جهان را بشناساند تا آنها هم بنوبه خود نسبت به محیطی که در آن می‌زیند آگاهی لازم و دید صحیح و همچنین از آن تصویری دقیق داشته باشند ۱۸. "اساساً کل هر محیط و محتوای آن جزئی از کل عرصه وسیع جهان، و انسان ساکن آن محیط تنها عامل غالبی است که بر محیط اثر می‌گذارد و با اعمال تکنیک‌های متفاوت در طول زمان نوع معیشت خاصی را ایجاد و بهره‌برداریهای اقتصادی را می‌سازد ۱۹.

ج: محدوده سیاسی و محدوده ناحیه‌ای:

محدوده‌های سیاسی، مرزندهای دولتی و اداری که بر روی زمین با خطوط مشخص می‌شود اکثر مواقع هماهنگی و همگنی نواحی را بر هم می‌زند و در حقیقت سازماندهی فضایی یک دولت مرزهای حقیقی نواحی را به وسیله یک نوسان تاریخی تغییر می‌دهد. بی‌آدمهائی که کل ساختار دولتها می‌توانند بوجود بیاورند مسئله‌ای است که امروز بیش از همه اهمیت پیدا کرده است. اصول سیاسی می‌تواند مجموعه یک ناحیه یا قسمتی از آن را با اعمال محدودیتها یا شرایط مساعد به طور کامل تغییر دهد و تعادل فضایی ناحیه را برهم زند. اینجاست که مسئله و مشکل مطالعات ناحیه‌ای آغاز می‌گردد. اگر تا اندازه‌ای محدوده طبیعی یا محدوده سیاسی تطبیق داشته باشد کار آسان و زمینه مطالعه آماده‌تر است ولی اگر محدوده‌های ناحیه‌ای و سیاسی و اداری ناهماهنگی داشته باشند، رسیدن به هدف چندان نیز راحت‌تر نخواهد بود و اساساً در این تقسیم بندیها نمی‌توان در چهارچوب اصول و قوانین جغرافیایی به نتیجه منطقی و اصولی رسید.

مکانیزم تصمیم‌گیریها در این مرحله وارد می‌شوند و سازماندهی فضایی جهت‌گیری پایه‌های استعداد ناحیه‌ای را تعیین و مشخص می‌نماید. در نتیجه هر عامل ناحیه‌ای یک معنای مخصوص در زمان حاضر، گذشته و احتمالاً آینده دارد. هر یک از این عوامل، سیستمهای اشغال خاک و بهره‌برداری ناحیه‌ای را که به طور متوالی جانشین هم می‌گردند بدنبال دارد و ارزش هر یک از عوامل تشکیل دهنده ناحیه در هر مرحله قابل تغییر است. در هر لحظه عوامل فعال جز یک مشت اطلاعات ناقص بر روی قسمت‌هایی که روی آنها عمل می‌شود نمی‌باشند، زندگی اقتصادی، نوع معیشت در حال دگرگونی است و آن نتیجه عملکرد انسانهاست، انگیزه‌ها و آینده‌گراییها را باید شناخت، باید مکانیزم عوامل که خود را با سیستم تطبیق داده‌اند شناخته شود اما همه مطالعات جغرافیایی به استقرار مقایسه نیاز دارد.

د: نواحی، محدوده و تقسیمات سیاسی کشور ایران:

عدم تطابق محدوده‌های سیاسی و نواحی جغرافیایی در کشور ما نیز صدق می‌کند. اگر حوادث بیرون مرزی را در نظر بگیریم، تغییرات مرزها مسائل و مشکلاتی از این قبیل را در مطالعات ناحیه‌ای ایران ایجاد کرده‌اند که امروز حتی قسمتی از آنها روی زندگی اجتماعی - اقتصادی بعضی از نواحی سنگینی می‌نماید. گو اینکه در بعضی از نواحی مثل آذربایجان، ترکمن صحرا و شمال خراسان باگذشت زمان و قطع روابط فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی، هر یک از نواحی بیرون مرزی و درون مرزی وحدت خاصی را برای خود کسب کرده‌اند ولی چگونه می‌توان در مطالعه استان سیستان و بلوچستان، ارتباط با پاکستان و افغانستان و در مطالعات ناحیه

سواحل جنوبی ایران اثرات اقتصادی روابط با دولتها و امارات جنوبی خلیج فارس را نادیده گرفت. با اینهمه تأثرپذیری نواحی در داخل یک سیستم که اصولاً "قوانین مربوط به سازمان داخلی خود را بیشتر دنبال می‌نمایند. تا اندازه‌ای محدودتر از عوامل خارجی است ولی هرگز به صفر نخواهد رسید. در نتیجه نواحی مرزی ما هر قدر هم در ارتباط نزدیک با نواحی بیرون مرزی کشور قرار گیرند در نهایت تحت نظام و سیاست ملی سازماندهی و شخصیت خواهند یافت.

ولی برای یک جغرافیدان این مسائل نباید هرگز بی‌اثر شمرده شود و از طرف دیگر سازماندهی فضائی محدوده سیاسی کشور نیز دائماً در حال تغییر است. اگر قبول کنیم که مکانیزم تصمیم‌گیریها و سازماندهی سیاسی فضائی تا چه اندازه در توسعه یا عدم توسعه در روابط کلی انسان و محیط مؤثر است به ارزش و اهمیت مسئله می‌توانیم پی ببریم. انتقال نقشهای اداری، مدیریت و تغییرات آنها در کادر یک سازماندهی مجدد فضائی در داخل یک دولت اثرات طولانی در دینامیزم شهرها و نواحی مربوطه بوجود می‌آورد و با این وصف روشن است که نقشهای اداری که پیش از این تعیین کننده بودند امروزه کمتر از نیروهای اقتصادی در معرفی دینامیک نواحی مخصوصاً "شهرها اهمیت دارند" ۲۰.

در اینجا لازم است مروری بر تقسیم‌بندی منطقه‌ای، ناحیه‌ای و سیاسی کشورمان انجام گیرد تا بتوانیم ارزیابی دقیقی در این رابطه داشته باشیم.

با نگاهی به تقسیم‌بندی منطقه‌ای و ناحیه‌ای کشورمان معلوم می‌شود که در طول تاریخ سازماندهی سیاسی و انطباق آن با مناطق و نواحی جغرافیائی تا چه اندازه دستخوش تحول و دگرگونی بوده است.

جغرافیدانان ایرانی و آشنائی با وضع جغرافیائی ایران دارند با توجه به عوامل و مشخصات جغرافیائی، ایران را به مناطق مختلف جغرافیائی تقسیم می‌نمایند. در یک تقسیم‌بندی با توجه به عوامل طبیعی و نوع معیشت سرزمین ایران به ۶ منطقه بزرگ جغرافیائی به شرح زیر تقسیم شده است که حتی حدود آنها در بعضی از نواحی از مرزهای کنونی ایران نیز تجاوز می‌نماید:

- ۱- حوضه دریای خزر.
 - ۲- حوضه خلیج فارس و حدود بین‌النهرین.
 - ۳- کوهستانهای غربی.
 - ۴- کوهستانهای شمالی.
 - ۵- فلات بلوچستان.
 - ۶- فرورفتگی‌های فلات داخل ایران.
- با دریک تقسیم‌بندی دیگر با توجه به مشخصات طبیعی و اکولوژیکی سرزمین ایران تقسیمات مشابهی انجام گرفته. مرکز آمار ایران تقسیم‌بندی ۶ گانه‌ای بر مبنای ارتفاع انجام داده است ۲۱. با

توجه به شرایط طبیعی (توپوگرافی، اقلیم...) تقسیم‌بندیهای منطقه‌ای دیگری نیز انجام گرفته است ۲۲.

این تقسیم‌بندیها که غالباً "عوامل طبیعی در آن دخالت داشتند و بالطبع تا زمانهای خیلی نزدیک عوامل انسانی نیز در شصیت از آن سازمان یافته بودند، در انطباق با تقسیم‌بندیهای سیاسی در طول تاریخ، وحدتی در سرزمینها از نظر قومی، فرهنگی در شکل واقعی زندگی آنها و در ارتباط نزدیک با محیط طبیعی بوجود آورده بودند. تجمع اکثر اقلیت‌های قومی، زبانی، مذهبی، ایلی، عشیره‌ای و حتی ساختارهای سنت معیشتی و تولیدات اقتصادی در نواحی خاص مؤید این نظر است. قلمرو فضائی هر یک از این عوامل وحدت و یکپارچگی عوامل جغرافیائی بالاخص عوامل انسانی در اکثر نواحی انطباق تقریبی را در تقسیم‌بندیهای سیاسی در طول تاریخ بوجود آورده بود.

با توجه به تقسیمات کشوری ایران و تغییرات آن از دوره‌های ماقبل اسلام تا امروز نیز می‌توان حدس زد که این تغییرات تا چه اندازه در انطباق با شرایط طبیعی و عوامل انسانی قرار داشته‌اند. اولین تقسیمات کشوری در دوره هخامنشی انجام گرفت که بیشتر بر اساس ملاحظات قومی و نژادی بوده است، این سلسله ایران را به ۳۰ ایالت یا ساتراپ تقسیم کردند. حکومت‌های سلوکی و اشکانی نیز به تبعیت از آنها و با تغییراتی قلمرو حکومتی خود را به ۷۲ و ۱۵ ایالت یا والی نشین تقسیم نمودند. در دوره ساسانی تغییراتی حاصل شد و کشور به ۴ ایالت بزرگ تقسیم گردید که مشتمل بر همان ایالات و ولایات قبلی با مختصر تغییرات در قلمرو حکومتی آنها بوده است.

در دوره‌های بعد از اسلام به علت ملوک‌الطوایفی و تشکیلات حکومتی محلی تا عهد صفوی تشکیلات منظم سیاسی وجود نداشت ولی با اینهمه در عهد مغولها کشور از ۲۰ بخش تشکیل یافته بود که باز هم تغییرات فقط در سرحدات و تعداد ایالات و ولایات بود و تغییراتی در داخل فلات ایران انجام نگرفته بود. در دوره صفویه به تبعیت از دوره‌های قبل از اسلام مخصوصاً ساسانی، ایران به ۴ بخش یا ایالت بزرگ شامل عراق، فارس، آذربایجان و خراسان تقسیم گردید.

سلسله‌های بعدی نیز نظم اداری کشور را به روال گذشته حفظ کردند ولی جدا شدن تعدادی از سرزمینها از ایران تقریباً "محدوده‌های قبلی را بر هم زد" ۲۳. تا اینکه در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی قانون تشکیل ایالات و ولایات از مجلس گذشت و ایران به ۴ ایالت: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان و ۱۲ ایالت: استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان (باختران)، همدان، اصفهان، یزد، عراق و خورستان تقسیم شد.

در سال ۱۳۱۶ تقسیمات جدید برای اداره کشور به تصویب

این مناطق و نواحی با روشهای انتزاعی و صرفاً "سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

نگاهی به تغییرات تقسیمات سیاسی ایران حداقل در یک قرن اخیر به سادگی نشان می‌دهد که هر چند زمان پیشرفته عوامل جغرافیایی و ناحیه‌ای اثر خود را در این تقسیم‌بندیها از دست داده‌اند و عوامل سیاسی-اقتصادی و هدف‌های جدید سازماندهی فضایی کشور بر این عوامل رجحان پیدا کرده‌اند. ولی آیا جغرافیا می‌تواند اساس مطالعات ناحیه‌ای خود را بر این تقسیم‌بندیها استوار سازد و اصولاً "سؤال اینجاست که آیا تقسیم‌بندی سیاسی باید مقدم بر ویژگیهای ناحیه‌ای قرار گیرد یا خصوصیات ناحیه‌ای و مطالعات جغرافیایی اساس تقسیم‌بندیهای سیاسی باشد؟ مسلماً" مفهوم دوم علمی‌تر، جغرافیایی‌تر و در رسیدن به مقصود هموارتر است.

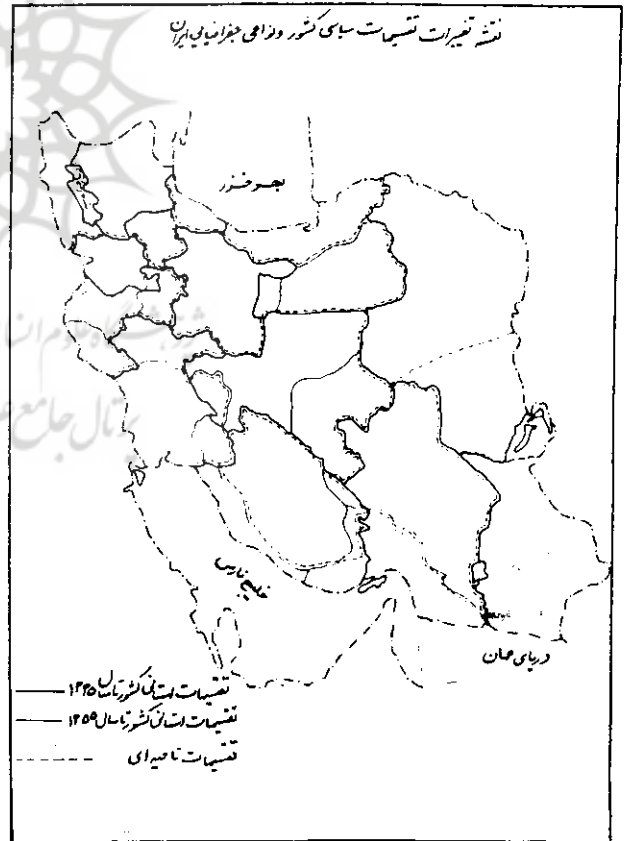
مروری بر مطالعات جغرافیایی در سطح کتابهای درسی کشورهای مختلف نیز این نظریه را تأیید می‌نماید. در اکثر کتابهای درسی مربوط به مطالعات ناحیه‌ای کشور فرانسه، حدود و قلمرو جغرافیایی و مفهوم ناحیه‌ای مورد توجه بوده است در این کشور ۱۵ تا ۲۰ ناحیه مشخص جغرافیایی اساس مطالعه قرار گرفته و اساس تقسیم-بندیهای سیاسی و تنوع آن (۸۹ دیپارتمان یا استان) هرگز ملاک مطالعات ناحیه‌ای قرار نگرفته است. ۲۴.

اگر عوامل وحدت ناحیه‌ای را در مفهوم وسیع آن در نظر بگیریم و خرده نواحی را در نظر نیاوریم در مطالعات اولیه و در سطح ویژگیهای اساسی طبیعی، چگونه می‌توانیم برای دانش‌آموز استانهای گیلان و مازندران را در ساحل دریای مازندران از همدیگر تفکیک نمائیم. چگونه آذربایجان شرقی، غربی و زنجان و یا استانهای کردستان و باختران، بوشهر و هرمزگان و غیره را از همدیگر تفکیک می‌توان کرد. و یا شمال خراسان و جنوب آن و یا سیستان و بلوچستان را در قالب یک استان واحد قلمداد نمود. در صورتیکه عوامل وحدت طبیعی، زبانی، قومی، فرهنگی در اکثر این استانها همسان یا در بعضی جاها ناهم‌آهنگ است.

نتیجه اینکه اساس مطالعات ناحیه‌ای در مفهوم جغرافیایی آن بر مبنای تقسیم‌بندیهای سیاسی ولو اینکه داده‌های کمی ما به همین مینا قرار گرفته باشند پایگاه درستی را از نظر مطالعات ناحیه‌ای نشان نخواهند داد و چون بررسی تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای اساس مطالعات جغرافیایی است بنابراین جغرافیاست که سیاست تقسیم‌بندی ناحیه‌ای و منطقه‌ای و بالاخره سیاسی را تعیین و تجویز می‌نماید. اگر در حسن اداره، سیاسی کشور نیاز به تقسیم‌بندیهای سیاسی است حداقل در مطالعات، آمایش، برنامه‌ریزیها بهتر است که از الگوهای ناحیه‌ای تبعیت گردد.

رسید و ایران با نظم جدید ولی اکثراً "در تبعیت از وحدت ناحیه‌ای گذشته به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم گردید و بالاخره در سال ۱۳۳۹ به ۱۴ استان و ۶ فرمانداری کل (با بحرین) و ۱۳۹ فرمانداری و نهایتاً به ۲۰ استان و ۳ فرمانداری و در حال حاضر به ۲۴ استان، ۱۹۵ شهرستان و ۵۰۱ بخشداری تقسیم شده است (نقشه شماره ۱). این تغییرات در مرزبندیهای سیاسی داخلی کشور یا تقسیمات اداری صرفاً "جنبه سیاسی داشته و در ارتباط با عوامل کمی و در حسن انجام اداره کشور و رساندن سرویس و خدمات و بالاخره ایجاد تعادل در سازماندهی فضایی آینده کشور انجام گرفته است. علاوه بر ملاکهای کمی برای تفکیک شهر یا مناطق شهری از روستا با مناطق روستایی تعیین گردیده است.

درست است که در این تقسیم‌بندیها هدف بدست دادن واحد یا واحدهائی است که قابلیت اداره و بهره‌برداری بیشتر و بهتر را امکان‌پذیر سازد ولی باید توجه داشت که یک کشور محدود‌دهی است مرکب از عوامل طبیعی و انسانی که به هم پیوسته می‌باشند. به زبان دیگر در هر قلمرو جغرافیایی عوامل مشترکی وجود دارد که استعدادها، امکانات و نیازهای خاص آن قلمرو یا ناحیه را نشان می‌دهد و بدین ترتیب در مفهوم جغرافیایی مطالعه و بررسی



اصولاً بعد از شناخت یا گمان بردن به وجود یک پدیده مسلم و قطعی است که می‌توان تجربیات را سازماندهی کرد. قبل از رسیدن به این شناخت تکرار و تعدد آزمایشات کمتر مفید واقع خواهد شد و اینگونه کردن مشاهدات نیز جز به هدر دادن انرژی چیز دیگری نیست. این مسئله در تمام علوم مصداق پیدا می‌کند^{۲۵}. بدین ترتیب لازم است که با آگاهی از تعریف دقیق و جامعی از موضوع و مکان مورد مطالعه و مشخص کردن حدود و عناوین لازم در موضوع مورد بحث با در نظر گرفتن مسائل و موضوعاتی که مقدماً در مطالعات هدف‌دار و جهت‌دار این نوع از مطالعات عنوان گردید و پس از تعیین خط‌مشی لازم مطالعات و تحقیقات را شروع کرده تذکر این اصل ضروری است که در اصول پژوهش جغرافیایی که همه با آن آشنائی دارند، یعنی در مراحل سه‌گانه مشاهده، طبقه‌بندی و استنتاج که لازمه هر پژوهش علمی است تغییری رخ نداده است و پژوهش‌های امروز هم از همان اصول پیروی می‌کنند، با این تفاوت که اولاً "تحولات در ابزار کار و وسائل پژوهش آنچنان حیثیت آور و باورکردنی است که یک محقق بدون آشنائی با این ابزار ممکن است دچار مشکلات فراوانی گردد^{۲۶}. ثانیاً "جغرافیای امروز در عین اینکه مفهوم به ظاهر ساده روابط انسان و محیط را در مجموعه‌ای از پیچیدگیها و مسائل بررسی می‌نماید، باید با تحلیل‌های دقیق خود جوابگوی بسیاری از مسائل و راه‌گشای آینده توسعه و بهبود محیط‌زیست انسانی باشد.

خط‌مشی‌ها و روش‌های به ظاهر مختلفی در انجام این مطالعات عنوان شده یا عملی می‌گردد ولی همه روشها یک هدف را دنبال می‌کنند و آن جوابگویی به مفاهیم عنوان شده در مطالعات ناحیه‌ای است. لہذا سلسله‌مراحل از روش مطالعاتی که در زیر عنوان می‌گردد ممکن است جامع همه آنچه که در این راستا ضروری است نباشد ولی می‌تواند الگوئی کلی و در عین حال فراگیر برای بسیاری از مطالعات ناحیه‌ای باشد.

۱ - گردآوری اطلاعات و شناخت اولیه

شناخت اولیه از حالات کمی و کیفی یک پدیده یا یک ناحیه جغرافیائی قبل از بررسی علل و جرائی این حالات لازم و ضروری است، این شناخت بر دو اصل استوار است:

الف: شناخت غیرمستقیم: گردآوری اطلاعات، نوشته‌ها، انتشارات، آمار، نقشه، نمودار، عکس و به طور کلی کلیه منابع و مآخذی که در مورد ناحیه، بخصوص در زمینه موضوعات خاص مربوط به ناحیه انجام گرفته است در این رابطه از کیفیات طبیعی ناحیه با دسترسی به نقشه‌های مختلف، توپوگرافیک، نقشه‌های هوائی،

ماهواره‌ای، ژئولوژی، ژئومورفولوژی، اقلیم، بیوزئوگرافی و کلیه آمار و ارقام کمی که اطلاعات لازم را در مورد ناحیه مورد نظر در اختیار ما قرار می‌دهند باید اطلاع پیدا کرد. در زمینه انسانی کلیه اطلاعات در زمینه سوابق تاریخی، تحولات جمعیتی، قومی، نژادی، فرهنگی و تغییرات کیفی و کمی آنها در طول زمان، اختصاصات و ترکیب جمعیت در زمان خاص، تراکم و پراکندگی آنها، و بالاخره کلیه نمودار و گراف و نقشه‌های مربوط به این عوامل باید در دسترس محقق قرار داشته باشد. در زمینه اقتصادی، با توجه به نوع معیشت و بهره‌برداریها، اطلاعات اولیه کافی از نظر کمی و کیفی این بهره‌برداریها باید کسب شود، و آمار و نقشه‌های توزیع و پراکندگی تولیدات کشاورزی، صنعتی و روابط تجاری از اطلاعاتی هستند که دسترسی به آنها مطالعات بعدی را راحت‌تر خواهند کرد. به طور خلاصه گردآوری هر نوع اطلاعات و تحقیقی که در زمان و مکان و در موضوعات مختلف در ارتباط با ناحیه مورد بحث انجام گرفته است.

جمع‌آوری اطلاعات اولیه ممکن است در بعضی شرایط وقت بیشتری از محقق را تلف کند ولی بررسی جامع از منابع و یا یک بایبلوگرافی *Bibliographie* کامل زحمت محقق را کمتر خواهد کرد. بعلاوه امروز وجود انواع آمار و ارقام و گزارشات حاضر و آماده محققین را در جمع‌آوری این اطلاعات یاری می‌نماید و عملاً "اطلاعات مدرنی در اختیار او قرار می‌گیرد.

ب: شناخت مستقیم: روش عینی و مشاهده راه دیگری در کسب اطلاعات می‌باشد. اطلاع از حالات کمی و کیفی یک ناحیه ممکن است بر سنای موضوعات و اهدافی که یک پژوهشگر دارد در زمان و بر روی زمین به طور مستقیم انجام گیرد. این کار ممکن است بر حسب موضوع و مکان به صورت سونداز یا پراکنده و یا به صورت عمومی و متمرکز عملی گردد. این مرحله از مطالعه و تحقیق که به یک کار فشرده و گروهی نیاز دارد و ممکن است از طریق پرسشگری‌های پراکنده، پرس کردن فرم‌های ساده انجام گیرد و یا ممکن است به آمارگوییهای خیلی دقیق در شرایطی که از طریق سازمانهای رسمی آمارهای لازم در موضوعات مربوطه در دست نباشد نیاز باشد. مسلماً کلیه اطلاعات و داده‌ها باید در جداول مخصوص پیاده و سپس مورد استفاده قرار گیرد. این مرحله از تحقیق به همراه روش عینی و مشاهده‌ای ضروری است که باید به طور مستقیم توسط محقق انجام گیرد.

در هر دو مورد از این مرحله از گردآوری اطلاعات و مدارک و اسناد باید جنبه‌های جغرافیائی، روابط علت و معلولی ارتباط با ناحیه، جنبه‌های علمی و سیستماتیک اطلاعات در نظر گرفته شود و از جمع‌آوری اطلاعات حاشیه‌ای و غیرضروری اجتناب شود. مسلماً در گردآوری مجموعه این اطلاعات باید از روشهای علمی و سیستماتیک استفاده کرد.

خارج از عوامل کمی، در تجزیه و تحلیل داده‌ها به عوامل کیفی نیز باید توجه کرد: اهمیت عوامل محیطی در شکل دادن معیشت انسانی، فعل و انفعالات عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در تجزیه و تحلیل‌ها ابعاد، اندازه، ارزش و تحول پدیده‌ها، اثرات گوناگون پدیده‌های جغرافیایی در پیدایش یک سیمای فرهنگی و معیشتی و اثرات متقابل آنها، تکنیک، وجود یا عدم وجود تعادل، نظم یا بی‌نظمی در اکوسیستم ناحیه و منطقه، تحلیل نابرابریها و عدم تعادل در توزیع فضائی عوامل توسعه و اثرات آنها، تنبیس وابستگیها، روابط دور و نزدیک، استفاده از رمب و تغییرات و اثرات ناشی از آن باید مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی پیشرفت در مطالعات ناحیه‌ای و سازماندهی فضائی به امکانات و استفاده از این ابزار و تکنیک‌ها و کیفیت جمع‌آوری، اندازه‌گیریها، طبقه‌بندی، مدل‌های استقرار و توضیح این داده‌های جغرافیایی بستگی دارد هر چقدر جمع‌آوری اطلاعات آسان است به همان اندازه طبقه‌بندی و تحلیل آنها مشکل و ارزشمند می‌باشد.

۳- بررسی نظریه‌ها و تئوریها

توجه به مکتبهای جغرافیایی و اندیشه‌های فلسفی در جغرافیای امروز ارزش و اهمیت خاصی دارند و یک تحقیق جغرافیایی در یک حلقه فلسفی صورت نمی‌تواند بگیرد و مسلماً "مجموعه‌ای از معتقدات فلسفی و فکری این عوامل را باید راهنمایی نماید" 28. بدین ترتیب در مطالعات ناحیه‌ای توجه به مکاتب و الگوهای مشابه و استفاده از روشهای مختلف مثلاً "روش قیاس یا استقراء" لازم و ضروری است.

جغرافیای جدید به نقش فضا و محیط طبیعی در زندگی و در عملکرد اجتماع توجه دارد. جغرافیای امروز ویژگیهایی که انسان را با محیط طبیعی مربوط می‌کنند ظاهر می‌سازد و بالاخره عواملی که سعی در پراکندگی یا سعی در تراکم انسانها دارند سازماندهی فضائی و رقابتها را توجیه می‌نماید.

تئوریهای جغرافیایی ابعاد فضائی، عملکرد انسانها، مکانیزمها حفت و جوریهها و خواستهای انسانی را که بدون آنها زندگی اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود روشن می‌نمایند. در این میان باید به نظریه‌ها و تئوریهای اکولوژیکی، موقعیت فرد در فضای جغرافیایی، موقعیت جامعه در فضا، تکنیک و فضای جغرافیایی، کنترل فضای اکولوژیکی، حمل و نقل و ارتباطات در انطباق با ناحیه توجه شود. مدل‌های اقتصادی از قبیل سیمای عمومی اقتصادی، مدل‌های فضای اقتصادی و حمل و نقل، مکانهای مرکزی، تئوری سیستمها، مدل‌های فضای اقتصادی و ارتباطات، تئوریهای توسعه و برنامه‌ریزی باید مورد توجه قرار گیرند.

جغرافیای گذشته اکثراً" به تعدادی از اطلاعات که شامل سرشماری و آمارگیریهای انجام یافته برای هر واحد جغرافیایی و مقادیری آمار و ارقام برای یک ناحیه یا کشور محدود بوده و بدینوسیله معرفی می‌شده است و بالاخره ترسیم نتایج حاصله وظیفه نهائی و مهمی بود که انجام می‌گرفت.

در گذشته برخورد، اختلاطها، روابط، تشابهات، تباہیات به طور سیستماتیک عنوان نمی‌شده در حالیکه موقعیت جغرافیای امروز با گذشته کاملاً" تفاوت داشته و خیلی مشکل‌تر شده است. سرشماریها و آمارگیریها نسبت به گذشته خیلی پیچیده هستند و نتایج حاصل از این آمارگیریها به سادگی قابل درک نیست. علاوه وسائل و ابزار مدرن و تکنولوژی رستم خیلی سریعی را در استفاده از خاک و اشغال آن و تغییر در بهره‌برداریهها را بوجود آورده است. روابط متقابل انسان و محیط در مجموعه‌ای از کنشها و واکنشهای متفاوت و متغیر به هم پیچیده است. " جغرافیای مدرن امروز خود را در مقابل رفتار توده‌ها حس می‌کند و مجبور است که این رفتارها و نتایج حاصل از آنها را در توده‌ای از ارقام و اطلاعات تجزیه و تحلیل نماید 29. بدین ترتیب این مسائل ماتریس وسیعی از داده‌ها را مطرح می‌کند. این داده‌های انبوه خود را در قالب تابلوها، جداول، نمودارها، گرافها و یا ارقام خام نشان می‌دهند که هر کدام از آنها به اندازه نقشه‌های موضوعی اهمیت دارند.

استخراج نتایج و تجزیه و تحلیل این داده‌ها به این سادگی امکان پذیر نیست و استفاده از ماشین حسابهای خیلی دقیق، کارتوگرافیهای اتوماتیک، ابزار و ادوات مدرن و بالاخره دستگاههای کامپیوتر نیاز دارد. این ابزار و وسائل مدرن امکان احتساب مقایسه، نسبت، درصد، پراکندگی و اثرات فاکتورهای مختلف را روی هم فراهم می‌آورد. مدل‌های جدید بررسی داده‌های امروز روی محققین جغرافیا جذابیت خاصی را ایجاد کرده است و تعداد کثیری از آنها استفاده می‌نمایند. اصولاً" در یک آنالیز مرتب لازم است که از مندهای خیلی پیشرفته استفاده کرد. به مدد نقشه و نقشه‌کشی موفق می‌شویم نوع و هم توزیع هر موضوعی را نشان دهیم همبستگی‌های ساده نیز به کمک نقشه نشان داده می‌شود. در حال حاضر در جغرافیا نقشه به همراه آمار به تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد. مسلماً" در مجموعه تحلیل این اطلاعات و داده‌ها همانطور که عنوان شد باید از روشهای علمی استفاده کرد، احتمالات، روندها، فزونی‌ها در نظر گرفته شود و فی‌النهایی به طبقه‌بندی و تیپولوژی این داده‌ها مدل‌سازی، حذف اطلاعات و داده‌های اشتباهی و مبهم و حقیقت وجودی آنها منجر گردد.

مدلهای اجتماعی - اقتصادی از قبیل شخصیت فرد در جامعه، جایگاه افراد در جامعه، کار و جایگاه سکونت، مدل‌های ارتباطات افراد در فضای جغرافیایی نیز از عواملی هستند که مورد توجه می‌باشند.

خارج از اصول مسلم جغرافیایی، فرضیه‌های مربوط به جغرافیای طبیعی و انسانی، مدل‌های تحلیل این فرضیه‌ها، اساس فرضیه‌ها در ارتباط با موضوع و ناحیه باید مورد توجه قرار گیرند. در این میان وابستگی جغرافیا با سایر علوم هرگز نباید فراموش گردد و مرزهای استفاده از این علوم شناخته شود.

۴ - مشاهده و کار بر روی زمین

مشاهده و کار بر روی زمین مهمترین و مطمئن‌ترین وسیله در کار تحقیقات ناحیه‌ای است. تجزیه و تحلیل کیفی تمام مسائل ناحیه بدون کار بر روی زمین، مشاهده و پرسشگری مستقیم امکان‌پذیر نیست و از تمام روشها در دست آوردن نتایج صحیح موثرتر است. « هیچ چیز برای شخص ناظر و مشاهده کننده مهمتر از این نیست که بتواند مناظر و محیط‌هایی را که می‌بیند به ساده‌ترین وجه و عنصر تجزیه و به مرکب‌ترین حالت چنانکه هست تجسم نماید »^{۲۹}. این مرحله از تحقیق ممکن است بعد از گردآوری اطلاعات، همزمان با آن و یا قبل از مراحل تحلیل داده‌ها و تئوریه‌ها و فرضیه‌ها انجام گیرد. به هر حال مشاهده و کار بر روی زمین ما را در کسب اطلاعات در زمینه محتویات فرعی و تحلیل‌های نهائی کمک و یاری خواهد کرد. کار بر روی زمین در عین اینکه روش‌نگریهای بیشتری را در مورد اطلاعات گردآوری شده انجام می‌دهد شرط اصلی در استنتاج نهائی و آیدیه‌نگری‌هاست. در تمام مراحل تحقیق جغرافیدان نباید ارتباط خود را با ناحیه مورد مطالعه قطع کند. موفقیت یا عدم موفقیت یک کار تحقیقاتی در اصل به مشاهده مستقیم یک جغرافیدان بستگی دارد. وجود یک نگرش قوی شرط موفقیت در تمام مطالعات ناحیه‌ای است. ارتباط مستقیم با مردم و ساکنان ناحیه، مشاهده نوع معیشت و زندگی، مسکن، بهره‌برداریها و پرسش‌گریها، برای شناخت ارزشهای ناحیه کمال اهمیت دارد. ولی این تحقیقات ناحیه‌ای به صرف مشاهده ارزشی نخواهد داشت مگر اینکه با یک آمادگی و اطلاعات قبلی و با یک برنامه از قبل تعیین شده و طرح‌ریزی شده و به کمک ابزار و ادوات لازم از قبیل نقشه‌های مختلف توپوگرافیک، تاتیک و وسائل ثبت و ضبط وقایع، دوربین‌های عکس و فیلم انجام گیرد.

۵ - استنتاج و تنظیم گزارش

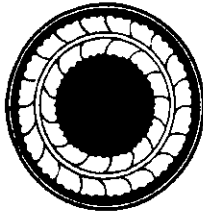
در این مرحله از مطالعات یک مسئله کاملاً مطرح است و آن اینکه آیا همه عوامل جغرافیایی را در ارتباط با مسائل موجود بکجا و توأم مورد مطالعه قرار دهیم یا بهتر است که سیمای عمومی و کلی در ابتدا، و بدنبال آن تحلیل و آیدیه نگریها مطرح شود. از آنجائی که مسائل ناحیه‌ای یک امر نشأت گرفته از کلیه عوامل موجود از ناحیه می‌باشد و بدون شناسائی عوامل، بررسی و پی‌بردن به مسائل امکان‌پذیر نیست، لہذا در مطالعات ناحیه‌ای تنظیم گزارش باید دو مرحله‌ای باشد. مرحله اول توصیف و تشریح آنچه که هست و مرحله دوم تجزیه و تحلیل و آنچه که می‌تواند یا باید باشد.

در مرحله اول عوامل بالقوه و پتانسیل کامل ناحیه به همان ترتیب که تحقیق شده توصیف و ترسیم می‌شوند مزایای هر یک از عوامل جغرافیایی ناحیه، بالقوه و بالفعل تشریح می‌گردند. به عنوان مثال شرایط خاص توپوگرافیک، آب و هوایی، خاک، پوشش گیاهی و غیره که به عنوان عوامل حیاتی شناخته می‌شوند به طور کامل باید نشان داده شود. در ترسیم و توصیف این عوامل صرفاً نباید به جنبه‌های توصیفی اکتفا کرد و باید تکنیک و پیشرفت‌های حاصل در جغرافیا و در علوم مربوط به جغرافیا مانند ریاضی، آمار، احتمالات، نقشه کشی بکار گرفته شوند. از روشهای سنتی توصیفی و ملال‌آور اجتناب کرد و به همان صورت که در بخش تحلیل داده‌های آماری عنوان شد سعی شود که مطالب تنها در قالب آرام و آمار و توصیف و تجسم نشوند بلکه همه عوامل به صورت تجسمی و استنتاجی در قالب نمودار، نقشه‌ها، گرافها، شماها و اشکال نه تنها به طور استزاعی بلکه ترکیبی و مقایسه‌ای عوامل یا همدیگر عنوان شوند. ترکیبات اجزائی عوامل تشکیل دهنده ناحیه و پدیده‌های موجود تا اندازه‌ای شکافته شوند ولی در عین حال اصل کلی بین جغرافیا فراموش نگردد. توزیع پدیده‌ها ضمن اینکه هر کدام در جای خود نشان داده می‌شوند در ارتباط با همدیگر قرار گیرند. مثلاً "اگر صحبت از کشاورزی است تنها به تولید و انواع آن اکتفا نشود بلکه عوامل و شرایط تولید، مثل اقلیم، آب و خاک، تکنیک، نیروی انسانی، مدیریت و انگیزه‌ها، بازار، شرایط اجتماعی بمانند مالکیت، عوامل برور را تا آنجا که مجموعاً منجر به پیدایش تخصصی خاصی از کشاورزی ناحیه گشته در نظر گرفته شود و حتی ممکن است اشتغالات غیر کشاورزی که خود در توسعه یا عدم توسعه کشاورزی مؤثر است مد نظر باشد.

چرا ساختار کشاورزی ناحیه‌ای ساده و در بعضی جاها پیچیده است؟ چرا در یک ناحیه یک کشت وجود دارد و چرا در دیگری چند کشتی رایج است؟ در این میان مسائل و مشکلات موجود بالاخص نظام اکولوژیکی و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی فراموش نگردد.

این مطالب ضمن اینکه به همین ترتیب مطالعه می‌گردند باید به همان ترتیب نیز تنظیم شوند. از حدس و گمان و آوردن مطالب مشکوک و غیر مسلم اجتناب شود چون مجموعه این گزارش است که

فرهنگی و اقتصادی مخصوص نواحی و کشورمان را ملحوظ می‌داریم به اصول و روشهای علمی جغرافیا توجه کافی مبذول داریم. بالاخره راه صحیح و منطقی اینکه در مطالعات ناحیه‌ای و شناسائی کشور ویژگیهای ثابت و مستمر ناحیه‌ای را بر عوامل متغیر و ناپایدار مقدم و محترم شمرده شود.



***** یادداشتها *****

1- Peter HAGGETT: Lan'alyse spatiale en Geographie humaine Traduction en Francais par Hubert FREC'HOU A.Colin.Paris, 1973. P. 270.

2- Paul -CLAVAL: Lanouvelle Geographie: Que sais-je.NO 1693. PUF Paris 1977. P. 115.

3- Piero-GEORGE:Les Methodes de La Geographie Que sais-je NO PUF.Paris 19,P.107.

۴ - دکتر حسین شگویی: فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تبریز، مؤسسه گیئاستناسی. صفحات ۵۸ - ۵۹ و ۶۰.

5- Olivier-DOLLFUS: L'espace Geographique . Que sais-je. NO 1390. PUF. Paris 1973 - P. 101.

۶ - دکتر حسین شگویی، فلسفه جغرافیا. صفحه ۶۳.

7- P.CLAVAL. Lanouvelle Geographie of cit. P. 116.

8- P.HAGGETT- Op. cit. P. 271.

۹ - دکتر حسین شگویی: فلسفه جغرافیا. صفحه ۷۲.

- محمد جعفرزمردیان: اصول و مبانی عمران ناحیه‌ای. ۱۳۶۳ صفحه ۱۶ و ۱۷.

10- P. HAGGETT. Op. cit. P. 272.

پایه فرضیات و تئوریها، آینده‌نگری و برنامه‌ریزیهای آینده را تشکیل دهد. اصولاً باید تنظیم مطالب در شکل بررسی مجموعه پدیده‌ها و مناسبات باشد و ساختار و روابط ساختاری ناحیه در شکلی که وجود دارند ارائه گردد. بالاخره همه پدیده‌ها و عوامل هم در مکان و هم در زمان مطالعه گردند. این مرحله اساس و قسمت اعظم کار تحقیقات ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهد.

مرحله دوم در ارتباط با هدف و از درجه مسائل و مشکلات تهیه و تنظیم می‌گردد. عوامل و پدیده‌ها را ضمن اینکه در قالب خودشان ملاحظه می‌کنیم آینده‌ای را هم برای سازماندهی‌های فردا ترسیم می‌نماییم. اطلاعات و مطالعات از همدیگر تفکیک می‌گردند و اطلاعات درست و اطمینان بخش بکار گرفته می‌شوند. ۳۰. ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تصمیم‌گیریها، عملکردهای آنها و باآمال آینده نگری‌ها در نظر گرفته می‌شوند و این قسمت از بحث و گزارش که در حقیقت نتیجه و کاربرد و استفاده منطقی و اصولی از مطالعات ما را تشکیل می‌دهد باید در قالب و مدل‌های خاصی عنوان شوند که با شرایط جغرافیائی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ناحیه و کشور تطبیق داشته باشند ۳۱. و از الگوهای که زمینه‌های اولیه آنها در ناحیه مورد مطالعه کشورمان ضعیف یا اصلاً وجود ندارد خودداری گردد. معیارها و ارزشهای ناحیه‌ای و کلی محترم شمرده شود. به صرف تقلید و پیروی و جذب متد و الگوهای خارجی که ساختارهای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی متفاوتی با ما دارند پایگاههای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیازهای اساسی و اولیه داخلی فراموش نگردد.

نتیجه:

آنچه مسلم است در جغرافیای امروز مطالعات ناحیه‌ای از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و علیرغم وسعت و تغییرات عمیقی که درهدف و روشهای جغرافیا حاصل شده است، مطالعات ناحیه‌ای پایگاه علمی خود را هنوز محفوظ نگه‌داشته است. در حقیقت توجه به این بخش از جغرافیا بر حسب ضرورت در حفظ و نگهداری محیط زیست انسانی حائز اهمیت خاصی است. بعلاوه علیرغم ارزش و جایگاه مطالعات ناحیه‌ای در تمام زمینه‌های توسعه اقتصادی در آموزش جغرافیا نیز نقش حساسی را بازی می‌نماید. لهذا انجام درست و صحیح آن علاوه بر اینکه شناخت علمی از کشورمان را فراهم خواهد ساخت در رسیدن به اهداف آموزش جغرافیا نیز ما را یاری خواهد نمود.

بدین ترتیب ایجاب می‌نماید که در مطالعات ناحیه‌ای و در رسیدن به اهداف فوق‌الاولاً با توسل به ابزار، وسائل، تکنیک و شیوه‌های جغرافیای امروز در شناسائی محیط‌زیست و نواحی جغرافیائی اقدام نماییم، ثانیاً ضمن اینکه مجموعه عوامل سیاسی، اجتماعی،

25- Stephen. TOULMIN, the Philosophy of science. 1953. PP. 111-112.

۲۶- دکتر محمد حسن گنجی: ملاحظاتی دربارهٔ محتوی و روش جغرافیای ناحیه‌ای - مجموعه سخنرانیهای نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران، دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۵۴، صفحه ۱۹.

27-CLAVAL.P.La nouvelle Geographie op. cit-e. P. 35.

۲۸- دکتر حسین شگویی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی، صفحه ۱۷۱.

۲۹- دکتر کاظم ودیعی - روش تحقیق در جغرافیا... صفحه ۱۰۵.

۳۰- دکتر حسین شگویی، جغرافیای کاربردی... صفحه ۱۰۵.

۳۱- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی: تعریف مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا. فصلنامه... صفحه ۴۵.

۱- دکتر حسین شگویی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی. آستان قدس رضوی ۱۳۶۴. صفحات ۴۶-۷۷.

۱۲- دکتر حسین شگویی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی. صفحه ۵۵.

13- J.MONOD, P.de CASTELBAJAC: L'amenagement duterritaire Que sais - je.NO ۵۷۳.PUF. Paris, P. 13-14.

۱۴- مهندس فولادی: آمایش سرزمین و جغرافیا، مجله رشد - آموزش جغرافیا، شماره ۳ پائیز ۱۳۶۴، صفحه ۲۴.

۱۵- در حریف ناحیه، منطقه، قلمرو، محیط: به کتاب "مقدمه بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیائی و عمرانهای منطقه‌ای - ناحیه‌ای" تألیف دکتر کاظم ودیعی. ۱۳۴۸ مراجعه شود.

۱۶- روشهای تحلیل منطقه‌ای: ترجمه دکتر داریوش کاظم زاده صمیمی ۳ جلد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) ۱۳۵۷.

۱۷- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیائی و عمرانهای منطقه‌ای، صفحات ۳۲-۳۳.

۱۸- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر روش... صفحه ۴۰.

۱۹- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی: تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا: فصلنامه تحقیقات جغرافیائی صفحه ۹-۵۵.

20-Claude CHALINE. La dynamique Urbaine PUF. Paris - 1980.P.22.

۲۱- دکتر حسین آرایش: سیمای اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز، صفحات ۱۳-۱۴.

۲۲- فرج... محمودی: بحثی پیرامون نواحی طبیعی ایران، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، شماره یک، سال ۱۳۵۵.

۲۳- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر جغرافیای انسانی ایران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۳.

- دکتر ربیع بدیعی - جغرافیای مفصل ایران - ۳ جلد: انتشارات اقبال - تهران - ۱۳۶۲ - صفحات ۲۱۵-۲۵۲.

24- Geographie Leve, P.GOUROU. et L. PAPY. Hachette 1962.

-Geographie Leve.Collection de M. DERRHAU Masson 1963.

-Geographie de La france. Leve: V. PREVOT W. DIVILLE. 1968.

